



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2023.18620.2244

An Analysis of the Foundations of the Exceptionality of Single Traditions Narrated by Muhammad ibn 'Isa ibn Ubayd, as Recorded by Yunis ibn Abd al-Rahman

Seyyed Alireza Hosseini Shirazi^{1*}

Mohammad lotfipour²

Abstract

The question of exceptionality has been discussed in certain field of Islamic sciences such as the principle of Jurisprudence, Qur'anic commentaries, and Hadith. In most bibliographic sources, especially in Qum circles, we find frequent references to the issue of "exceptionality" with a peculiar meaning. When we revisit the entry on Yunis ibn Abd al-Rahman in the concordance of Shaykh Tusi and Najashi's (Biographical dictionary) we find a statement by ibn Walid that contains a discussion of the exceptionality of single hadiths narrated by Muhammad ibn 'Isa ibn Ubayd that have been subject to different interpretations and analysis. In this article we discuss the approach to Shi'a hadiths and their development by jurists since the 5th century with special reference to Muhammad ibn 'Isa's narration of Exceptional hadiths and their authentication on the one hand; and on the other hand, we concentrate our analysis on the critic and rejection of views about the foundation of these exceptions. Such an approach is not found in earlier writings in any collection. In addition, by introducing a new hypothesis in this article, we attempt to analyze the foundations of exceptionality of single hadiths narrated by Muhammad ibn 'Isa in their historical context.

Keywords

The Exception of Ibn Waleed, Single Traditions Narrated, Muhammad bin Isa bin Ubayd, Yunus bin Abdulrahman.

Article Type: Research

1. Responsible Author, High level professor of Hadith Science Center of Qom Seminary.

Email: Sahoseini14@gmail.com

2. A third-level scholar of the Specialized Hadith Science Center of Qom Seminary.

Email: Mohammad.lotfipour@gmail.com

Received on: 16/04/2023 Accepted on: 12/09/2023

Copyright © 2023, Hosseini Shirazi & lotfipour

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۲۵۸۸-۳۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2023.18620.2244

تحلیل زیرساخت استثنای احادیث منفرد محمد بن عیسی بن عبید از یونس بن عبدالرحمن
سیدعلیرضا حسینی شیرازی^۱
محمد لطفی پور^۲

چکیده

عنوان استثنا، در برخی دانش‌ها و معارف اسلامی از جمله: فقه، اصول، تفسیر و حدیث مطرح شده است. یکی از کاربردهای این عنوان را می‌توان در دانش اعتبارسنجی احادیث شیعه دنبال کرد. در اطلاعات راه‌یافته به کتاب‌های فهرست با پدیده رایجی در حوزه حدیثی قم، با نام فرایند استثنا مواجه هستیم که معنا و مفهومی خاص از آن، متناسب با موضوع این دانش اراده شده است. به گاه بازخوانی مدخل یونس بن عبدالرحمن در فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی با عبارتی از ابن ولید که استثنای احادیث منفرد محمد بن عیسی بن عبید از یونس در خود جای داده است برخورد می‌کنیم که در تحلیل آن احتمالات گوناگونی وجود دارد. در نوشتار پیش‌رو از یک سو با رویکرد و نگرش تاریخ حدیث شیعه به سیر تطور و کنش‌گری دانشیان اعتبارسنجی و فقیهان نسبت به استثنای منفردات محمد بن عیسی از قرن پنجم تا دوران معاصر پرداخته شده است. از سوی دیگر، تمرکز خود را بر نقد و پذیرفتن نگرش‌های گوناگون پیرامون دلیل و زیرساخت‌های این استثنا قرار داده است که در نوشته‌های پیشین به صورت یک مجموعه مشاهده نمی‌شود. افزون بر آن، در مقاله حاضر از طریق پدیدار کردن یک انگاره نوین، به تحلیل و بازشناسی زیرساخت استثنای منفردات محمد بن عیسی از یونس در بستر تاریخی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

استثنای ابن ولید، احادیث منفرد، محمد بن عیسی بن عبید، یونس بن عبدالرحمن.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استاد سطح عالی مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول). Sahoseini14@gmail.com
 ۲. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم. Mohammad.lotfipur@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

استثنا پدیده‌ای پُرکاربرد در برخی دانش‌ها و معارف اسلامی از جمله: فقه، اصول، تفسیر و حدیث است. این پدیده، در دانش اعتبارسنجی احادیث شیعه نیز خودنمایی می‌کند. حوزه حدیثی قم بیشترین بهره از استثناء را در بازتاب‌دادن نگاه میراث‌شناسانه خود برده است. کشف معنا و مفهوم خاص اراده شده از پدیده استثناء در حوزه حدیثی قم، راه‌گشای پژوهش‌گران در مطالعات و پژوهش‌های پیراحدیثی است.

به گاه بازخوانی مدخل یونس بن عبدالرحمن در فهرست شیخ طوسی با عبارتی از ابن‌ولید که استثنای احادیث منفرد^۱ محمد بن عیسی بن عبید از یونس را در خود جای داده است برخورد می‌کنیم که در تحلیل آن احتمالات گوناگونی وجود دارد: «وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَجَمَهُ اللَّهُ يَقُولُ: كُتِبَ يُونُسُ الَّتِي هِيَ بِالرَّوَايَاتِ كُلِّهَا صَحِيحَةً يُعْتَمَدُ عَلَيْهَا إِلَّا مَا يَنْفَرِدُ بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ لَمْ يَرَوْهُ غَيْرُهُ، فَانَّهُ لَا يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ وَلَا يُفْتَى بِهِ» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۱۲، ش ۸۱۳).

در بازگرداندن این عبارت در ساختار زبان فارسی می‌توان چنین گفت: «محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) گفت: از محمد بن حسن بن ولید شنیدم که می‌گفت: تمام کتاب‌های یونس و نسخه‌های گوناگون آن، صحیح و قابل اعتماد است^۲ مگر آن چیزی که محمد بن عیسی بن عبید به آن، منفرد است و غیر از محمد بن عیسی، آن را از یونس روایت نکرده است، پس به آن منفردات اعتماد نمی‌شود و به آن فتوا داده نمی‌شود».

نجاشی، سخن ابن‌ولید را چنین بازتاب می‌دهد: «وَذَكَرَ أَبُو جَعْفَرِ بْنِ بَابُوِيَه، عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ أَنَّهُ قَالَ: مَا تَفَرَّدَ بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى مِنْ كُتُبِ يُونُسَ وَحَدِيثِهِ لَا يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۳، ش ۸۹۶)؛ یعنی: هر آن‌چه که محمد بن عیسی بن عبید به شکل منفرد به یونس نسبت داده است خواه کتاب باشد و خواه حدیث باشد به آن اعتماد نمی‌شود.

در سخن پیش‌رو، با تفصیل و توسعه‌ای همراه هستیم؛ بدین معنا که ممکن است محمد بن عیسی کتابی را به صورت منفرد به یونس انتساب بدهد که دیگران نسبت نداده باشند، یا در کتاب‌هایی که میان تمام راویان یونس بن عبدالرحمن مشترک است، حدیث یا احادیث ویژه‌ای به نسخه محمد بن عیسی راه‌یافته باشد که دیگر نسخه‌ها از آن تهی است.

۱. منظور از منفرد، حدیثی است که درون‌مایه آن، نه از سوی دیگر احادیث یا ادله، پشتیبانی شده و نه دلیلی بر خلاف آن یافت می‌شود.

۲. در بخش چهارم به گونه تفصیلی به تبیین معنای واژه «صحیح» پرداخته خواهد شد.

در برداشت صحیح از زیرساخت استثنای ابن ولید شایسته است که پرسش‌های زیر مورد واکاوی و بازنگری قرارگیرد:

۱. آیا سخن ابن ولید، شائبه ضعف محمد بن عیسی را به همراه دارد؟
۲. آیا با تقریر نجاشی از سخن ابن ولید، فضا به سمت و سوی تضعیف یونس بن عبدالرحمن نفوخته است؟
۳. کاربرد استثنا در سخن ابن ولید، بیان‌گر استثنای متصل است یا منفصل؟
۴. تفاوت این دو نوع استثنا چه تاثیری در برداشت صحیح از مفهوم سخن ابن ولید دارد؟
۵. معنای «ما ینفرد به» چیست؟

۶. از نگاه تاریخی، عامل ایجاد تردید از سوی اصحاب نسبت به کتاب‌ها و احادیث منفرد محمد بن عیسی بن عبید از یونس بن عبدالرحمن چیست؟

جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های پیش‌گفته، در آغاز، پس از بررسی پیشینه به چستی استثنا روی می‌آوریم و سپس احتمالات گوناگون و هم‌چنین تفسیرهای مختلف از مدلول استثنای ابن ولید مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در بخش پایانی، گمانه‌های گوناگون درباره زیرساخت این استثنا به طور تفصیلی مطرح و در بوطه نقد قرار داده می‌شود.

پرونده علمی استثنای منفردات محمد بن عیسی از یونس را می‌توان از دو چشم‌انداز نگریست. نخست شایسته است که به واکنش‌های دانشمندان نسبت به این استثنا در گستره تاریخ حدیث و فقه شیعه به عنوان پیشینه مسأله توجه شود. در گام دوم تفاوت پژوهش‌های پسینی با مقاله حاضر مورد ارزیابی قرار گیرد.

نخستین گفت‌وگو و کنش‌گری انتقادی نسبت به استثنای ابن ولید (۳۴۳ق) (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۸۳، ش ۱۰۴۲) درباره محمد بن عیسی توسط أحمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی (زنده در ۴۰۸ق) (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۸۷، ش ۱۱۷) رخ داده است. نجاشی این سخن را در مدخل محمد بن احمد بن یحیی، چنین بازتاب داده و به پسینان رسانده است: «قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ بْنِ نُوحٍ: وَقَدْ أَصَابَ شَيْخُنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ فِي ذَلِكَ كَلَّةً - وَتَبِعَهُ أَبُو جَعْفَرِ بْنِ بَابُوِيَه رَجِمَهُ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ - إِلَّا فِي مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ فَلَا أَدْرِي مَا رَأَيْتُ فِيهِ، لِأَنَّهُ كَانَ عَلَى ظَاهِرِ الْعَدَالَةِ وَالثَّقَةِ» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۴۸، ش ۹۳۹). گفتنی است که عبارت پیش‌رو، بیان‌گر واکنش ابن نوح سیرافی به رویکرد ابن ولید در استثنای راویان متعددی از کتاب نوادر الحکمة است. وی ضمن پذیرش تمام مصادیق استثنا، نسبت به استثنای محمد بن عیسی موضع‌گیری کرده و آن را نمی‌پذیرد.

نجاشی (۴۵۰ق) دومین دانشمندی است که رویکرد انتقادی خویش و برخی

هم عصرانش را این گونه نمایان می کند: «و رأیت أصحابنا يُكروْنَ هذا القولَ، و یقولون: مَنْ مثل أبي جعفرٍ محمد بنِ عیسی» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۳۳، ش ۸۹۶).

شیخ طوسی (۴۶۰ق) به عنوان سومین دانشور، از مدلول سخن ابن ولید استظهار ضعف محمد بن عیسی کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲، ش ۶۱۲؛ همو، ۱۳۷۳ ش، ۳۹۱، ش ۵۷۵۸ و ص ۴۴۸، ش ۶۳۶۱؛ همو، ۱۳۹۰ق، ۳: ۱۵۶). از میانه قرن پنجم تا ابتدای قرن هشتم، گفت و گوی جدی میان دانشیان مشاهده نمی شود. با راه یابی ابن داود حلّی (۷۰۷ق) و علامه حلّی (۷۲۶ق) به ساحت علمی در زمانه خویش، بحث و بررسی درباره این مساله، تولدی دیگر یافته است.

در جدول زیر فهرست نام فقیهان و دانشیان رجال از قرن پنجم تا زمان معاصر مشاهده می شود که درباره استثنای ابن ولید واکنش - پذیرفتن یا نپذیرفتن - نشان داده اند:

قرن پنجم	ابن نوح سیرافی (زنده ۴۰۸ق)، نجاشی (۴۵۰ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ق)
قرن ششم	---
قرن هفتم	محقق حلّی (۶۷۶ق)
قرن هشتم	ابن داود حلّی (۷۰۷ق)، علامه حلّی (۷۲۶ق)، شهید اول (۷۸۶ق)
قرن نهم	فاضل مقداد سیوری (۸۲۶ق)، ابن فهد حلّی (۸۴۱ق)
قرن دهم	محقق کرکی (۹۴۰ق)، شهید ثانی (۹۶۶ق)، محقق اردبیلی (۹۹۳ق)
قرن یازدهم	سید محمد بن علی موسوی عاملی - صاحب مدارک (۱۰۰۹ق)، حسن بن زین الدین عاملی - صاحب معالم - (۱۰۱۱ق)، محمد بن حسن عاملی (۱۰۳۰ق)، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی - شیخ بهائی (۱۰۳۱ق)، میرداماد (۱۰۴۰ق)، سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی (۱۰۶۰ق)، محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰ق)، محقق سبزواری (۱۰۹۰ق)، فیض کاشانی (۱۰۹۱ق)
قرن دوازدهم	سید نعمه الله جزائری (۱۱۱۴ق)، محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (۱۱۲۰ق)، یوسف بن احمد بحرانی (۱۱۸۶ق).
قرن سیزدهم	محمد باقر بهبهانی - وحید بهبهانی (۱۲۰۵ق)، سید محمد جواد حسینی عاملی - صاحب مفتاح الكرامة (۱۲۲۶ق)، سید محمد مجاهد طباطبائی (۱۲۴۲ق)، عبدالنبی کاظمی (۱۲۵۶ق)
قرن چهاردهم	احمد بن صالح آل طعان بحرانی (۱۳۱۵ق)، محمد حسن آشتیانی (۱۳۱۹ق)، ملا حبیب الله شریف کاشانی (۱۳۴۰ق)، سید مصطفی خمینی (۱۳۹۸ق)
قرن پانزدهم (معاصر)	مرتضی حائری یزدی (۱۴۰۶ق)، روح الله موسوی خمینی (۱۴۰۹ق)، میرزا هاشم آملی (۱۴۱۳ق)، سید ابوالقاسم خونی (۱۴۱۳ق)، سید عبدالاعلی سبزواری (۱۴۱۴ق)، محمد علی اراکی (۱۴۱۵ق)، سید کاظم حائری، امین ترمس عاملی.

در بخش «تفسیر مدلول استثنای ابن ولید در نگاه دانشیان» - که در پی خواهد آمد - تبیین و بررسی دیدگاه این دانشمندان طرح خواهد شد.

نگارندگان تاکنون به پژوهش مستقلی که به تحلیل مفهوم‌شناسانه استثنای ابن ولید درباره محمد بن عیسی بن عبید پرداخته باشد برخورد کرده‌اند. البته در پژوهش‌هایی که پیرامون نوادر الحکمة یا ابن ولید و مستثنیات وی به سامان رسیده است، مطالب پراکنده و اندکی به چشم می‌خورد. شاید بتوان به مقاله: «نقد نگره تضعیف محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین» نوشته: علی اکبر ایزدی فرد، سید علی اکبر ربیع نتاج، سید مجتبی حسین نژاد، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۳۰ اشاره کرد. به نظر می‌رسد که این پژوهش، تنها مقاله موجود در این زمینه باشد. نوشتار مورد اشاره، بر پایه نگرش فقهی و اصولی به نقد و بررسی ادله توثیق و تضعیف محمد بن عیسی بن عبید پرداخته است. در خلال نقد ادله تضعیف، استثنای ابن ولید درباره محمد بن عیسی را مورد واکاوی قرار داده است. اما تفاوت نوشتار پیش‌رو در این است که از یک سو با رویکرد و نگرش تاریخ حدیث شیعه به سیر تطور و کنش‌گری دانشیان اعتبارسنجی و فقیهان نسبت به استثنای منفردات محمد بن عیسی از قرن پنجم تا دوران معاصر پرداخته است. از سوی دیگر تمرکز خود را بر نقد و نپذیرفتن نگرش‌های گوناگون پیرامون دلیل و زیرساخت‌های این استثنا قرار داده است که در نوشته‌های پیشین به صورت یک مجموعه مشاهده نمی‌شود. افزون بر آن، در نوشتار حاضر از طریق پدیدارکردن یک انگاره نوین به تحلیل و بازشناسی زیرساخت استثنای منفردات محمد بن عیسی از یونس در بستر تاریخی پرداخته است.

۲. چیستی استثنا

بنیان بحث استثنا در دانش نحو بنا نهاده شده است؛ اما تعریف درون‌دانشی و کار بست آن در علوم گوناگون متفاوت است. از این‌رو در آغاز، چیستی و احکام کلی استثنا در نحو آورده شده و در امتداد آن، از زاویه اعتبارسنجی احادیث شیعه به استثنا نظر می‌افکنیم.

۲-۱. استثنا در دانش نحو

استثنا به عنوان فعل ثلاثی مزید و مصدر باب استفعال از ریشه «ث ن ی» گرفته شده است که به بیان تکرار، دوئیت و دوبار آمدن استعمال شده است. در استثنا از یک شیء دوبار یاد می‌شود؛ یک بار به صورت اجمال و دگر بار به صورت تفصیل. معجم

مقائیس اللغة، بدین گونه از این واژه سخن می‌راند: «الثاء و النون و الیاء أصل واحد، و هو تکریر الشئ مرتین، أو جعله شیئین متوالیین أو متباینین (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۹۱) ... و معنی الاستثناء من قیاس الباب، و ذلك أن ذکره یشئ مرة فی الجملة و مرة فی التفصیل؛ لأنک إذا قلت: خرج الناس، ففي الناس زيد و عمرو، فإذا قلت: إلا زیداً، فقد ذكرت به زیداً مرة أخرى ذكراً ظاهراً» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۹۲).

استثنا در گویش دانش نحو (معنای اصطلاحی)، خارج کردن آنچه داخل در شمول حکم سابق بوده با «إلا» و نظائر آن می‌باشد. مانند: «جاء القوم إلا زیداً»؛ در این مثال (زیداً) توسط «إلا» از حکم سابق «جاء» خارج شده است.

جمله‌ای که در آن استثنا به کار رفته، در بردارنده چهار رکن است:

۱. ادات استثنا: مانند «إلا» و نظائر آن همچون «غیر»، «سوی»، «عدا»، «خلا» و

۲. حکم: آن حکمی است که قبل از ادات استثنا ذکر شده است.

۳. مستثنی: آنچه که بعد از ادات استثنا واقع شده و از حکم قبل آن ادات، خارج می‌شود.

۴. مستثنی منه: اسمی است که حکم قبل از ادات استثنا به آن تعلق گرفته و مستثنی، از حکم آن خارج شده است.

استثنا را می‌توان به اعتبارهای گوناگون تقسیم کرد؛ اما به اعتبار وجود ارتباط و علاقه‌ی بعضیّت میان مستثنی و مستثنی منه و عدم آن، به دو قسم می‌شود:

۱. متصل: در این بخش مستثنی فردی یا بخشی از مستثنی منه است. در واقع میان آن دو، رابطه بعضیّت وجود دارد. مانند: «سَقَيْتُ الْأَشْجَارَ إِلَّا شَجْرَةً». در این مثال «شجرة» مستثنی و فردی از افراد مستثنی منه «الأشجار» است.

۲. منفصل (منقطع): در این بخش میان مستثنی و مستثنی منه رابطه بعضیّت وجود ندارد. مانند: «حضر الضيوفُ إلا سياراتهم». در این مثال «سياراتهم» مستثنی بوده و جزء مستثنی منه «الضيوف» به شمار نمی‌آید (حسن، ۱۴۳۱ق، ۲: ۲۴۸).

۲-۲. استثنا در دانش اعتبارسنجی احادیث شیعه

فرایند استثنا در اعتبارسنجی احادیث موجب می‌شود که برخی موارد یا افراد از شمول یک حکم کلی (مطلق یا عام) با ادات استثنا - غالباً با «إلا» - خارج شوند. برای یافتن تصویر روشن از استثنا در دانش اعتبارسنجی احادیث شیعه شایسته است که گونه‌های مختلف آن، در مجموعه تراث فهرستی شیعه مورد توجه قرار گیرد.

گونه اول: استثنای مفاهیم کلی

شیخ طوسی در مدخل محمد بن سنان می‌گوید: «لَهُ كُتُبٌ، ... وَ جَمِيعُ مَا رَوَاهُ إِلَّا مَا كَانَ فِيهِ تَخْلِيضٌ أَوْ غُلُوبٌ» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۶، ش ۶۲۰). هم‌و در یادکرد محمد بن علی صیرفی می‌نویسد: «أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، ... إِلَّا مَا كَانَ فِيهَا مِنْ تَخْلِيضٍ أَوْ غُلُوبٍ أَوْ تَدْلِيْسٍ أَوْ يَنْفَرْدٍ بِهِ وَ لَا يَعْرِفُ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِهِ» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۱۲، ش ۶۲۵).

استثناگر در این‌گونه موارد، نسبت به وجود یک مفهوم در میان احادیث راوی هشدار داده و آن را استثنا می‌کند، اما تشخیص مصادیق آن را به عهده مخاطب وامی‌نهد.

گونه دوم: استثنای بخش مشخص از اثر یا حدیثی راوی

مصادیق، در این‌گونه از استثنا به وضوح آشکار است و می‌توان به آن از دوزاویه نگریست؛ گاه استثناگر از مجموعه کتاب‌های راوی، کتابی را مورد استثنا قرار می‌دهد. برای مثال ابن‌ولید از مجموعه کتب محمد بن حسن صفار، کتاب بصائر الدرجات را استثنا کرده‌است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۸، ش ۶۲۲).

گاه استثناگر تمام کتاب‌های راوی را پذیرفته اما در یک روایت خاص، تردید خویش را اعلام می‌کند. برای نمونه، ابن‌ولید با پذیرش تمام کتاب‌های علی بن ابراهیم، حدیثی را که دلالت بر حرمت گوشت شتر می‌کند، با استثنا مورد تردید قرار می‌دهد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۶۷، ش ۳۸۰).

گونه سوم: استثنا از احادیث برخی مشایخ صاحب کتاب

سعد بن عبدالله صاحب کتاب‌های فراوانی است. ابن‌ولید به عنوان استثناگر، روایات محمد بن موسی همدانی - استاد سعد - در کتاب المنتخبات را با پدیده استثنا مورد تردید قرار داده و انتساب آن را به معصوم (ع) نمی‌پذیرد. شیخ طوسی پس از بیان فراوانی کتاب‌های سعد، سخن شیخ صدوق را چنین بازتاب داده است: «إِلَّا كِتَابَ الْمُتَخَبَّاتِ فَأَنِّي لَمْ أَرَوْهَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ إِلَّا أَجْزَاءَ قَرَأْتُهَا عَلَيْهِ وَ أَعْلَمْتُ عَلَى الْأَحَادِيثِ الَّتِي رَوَاهَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِي، وَ قَدْ رُوِيَتْ عَنْهُ كُلُّ مَا فِي كُتُبِ الْمُتَخَبَّاتِ مِمَّا أَعْرِفُ طَرِيقَهُ مِنَ الرِّجَالِ الثَّقَاةِ» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۱۵، ش ۳۱۶).

گفتنی است در سه مورد پیش‌گفته، استثناگر هیچ‌گونه تردیدی در درستی انتساب کتاب، یا کتاب‌ها به نویسندگان آن ندارد. بلکه با پذیرش انتساب کتاب‌ها به

نگارندگانشان، گاه یک مفهوم کلی، گاه یک بخش مشخص و ویژه و گاه احادیث راه‌یافته به کتاب از یک راوی مشخص را استثنا می‌کند.

گونه چهارم: استثنا از احادیث برخی شاگردان صاحب کتاب

در چنین موردی، تردید استثناگر ناظر به راوی انتقال‌دهنده کتاب یا کتاب‌های یک راوی یا محدث مورد گفت‌وگوی کتاب‌های فهرستی است. نوشتار حاضر، پیرامون این‌گونه از استثنا است. مجموعه داده‌های فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی حکایت از این نکته می‌کند که ابن‌ولید کتاب‌های حدیثی یونس بن عبدالرحمن را قابل قبول دانسته اما نسبت به کتاب‌ها یا احادیث منفرد محمد بن عیسی بن عبید - یکی از انتقال‌دهندگان میراث یونس - به دیده تردید می‌نگرد.

بار دیگر به خوانش عبارت شیخ طوسی در مدخل یونس می‌نشینیم: «وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَجَمَهُ اللَّهُ يَقُولُ: كُتِبَ يُونُسُ الَّتِي هِيَ بِالرَّوَايَاتِ كُلِّهَا صَحِيحَةً يُعْتَمَدُ عَلَيْهَا إِلَّا مَا يَنْفَرِدُ بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ لَمْ يَرَوْهُ غَيْرُهُ، فَانَّهُ لَا يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ وَلَا يُفْتَى بِهِ» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۱۲، ش ۸۱۳).

در این گزارش، کتاب‌های یونس به عنوان مستثنی منه و منفردات محمد بن عیسی به عنوان مستثنی و حکمی که مورد استثنا قرار گرفته، درستی درون‌مایه کتاب‌های یونس است. به عبارت دیگر: احادیث منفرد محمد بن عیسی به نحو اجمال در کتاب‌های یونس قرار داشته، اما بعد از ادات استثنا به نحو تفصیل ذکر شده است. آنچه در این میان، مهم جلوه می‌کند، حکم مستثنی منه و نقش آن در تعامل با مستثنی است. در فرایند استثنا، آنچه که به عنوان مستثنی منه در تحت حکم عام به قوت خود باقی می‌ماند، مواردی است که استثناگر انتساب آن را به معصوم (ع) تمام می‌داند و اجازه نقل آن را برای انتقال به نسل‌های پسین صادر می‌کند.^۱

در ادامه به بررسی معنای واژه «صحیح» و احتمالات گوناگون از استثنای ابن‌ولید خواهیم پرداخت.

۱. از این نکته می‌توان چنین قاعده‌ای را ایجاد کرد که اگر استثناگری در طریق به یک کتاب مشاهده شود درحالی که هیچ‌گونه استثنائی را به کار نگرفته باشد، این رفتار عملی، نمایان‌گر پذیرش میراث و نبود مشکل در مسیر انتقال این میراث می‌باشد. به عنوان نمونه: ابن‌ولید در طریق به کتاب‌های بیش از ۲۸۰ راوی قرار گرفته است، که از این میان، کمتر از ۲۰ نفر را استثنا کرده است. از تحلیل رفتار عملی پیش‌رو به دست می‌آید که در مجموعه تراث فرهنگی و کتاب‌های حدیثی شیعه که وی در طریق به آن قرار گرفته است، در مسیر دستیابی به آن کتاب و در مفاهیم موجود در آن و در نوع دریافت صاحب کتاب از معصوم (ع) و همچنین در واسطه‌های انتقال‌دهنده هیچ مشکل و دغدغه‌ای را احساس نکرده است.

۳. تبیین احتمالات گوناگون از استثنای احادیث محمد بن عیسی بن عبید

شایسته است پیش از ورود به بررسی احتمالات، مفهوم‌شناسی واژه «صحیح» از منظر لغت و کاربست درون‌دانشی آن، مورد واکاوی قرار گیرد. معجم مقائیس اللغه در ریشه این واژه «ص ح ح» چنین می‌گوید: «البراءة من كل عيب» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳: ۲۸۱). بر این پایه بایسته است که «صحیح» را این‌گونه معنا کرد: چیزی که از هر عیب و نقصی پیراسته است. اگر واژه صحیح در سخن ابن‌ولید به مفهوم لغوی خویش به کار رفته باشد، این نتیجه را به دنبال دارد که درون‌مایه‌های احادیث راه‌یافته به کتاب‌های یونس بن عبدالرحمن از هر گزندی در امان بوده و به معصوم (ع) قابل انتساب می‌باشد. در نگرش درون‌دانشی استعمال این واژه، نیز این حقیقت به گونه‌ای آشکار و گویا پدیدار است؛ بر درستی این ادعا می‌توان دو شاهد اقامه کرد:

شاهد نخست: سخن ابن‌ولید در مدخل یونس بن عبدالرحمن است؛ درنگ در سخن پیش‌گفته و توجه به تقابل مفهومی واژه صحیح و منفرد که به دلیل انفراد، توان اعتماد و فتوادادن را از دست داده است به روشنی بیان‌گر مفهوم صحیح در نگاه ابن‌ولید است که از توان اعتماد و فتوای بر پایه آن برخوردار است.

شاهد دوم: نجاشی در ترجمه محمد بن اورمه برای دفع اتهام غلو از وی می‌گوید: کتبه صحاح (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۲۹ش، ۸۹۱). این جمله کوتاه در مقام دفع اتهام از ورود هرگونه آموزه غالبانه به کتاب‌ها و احادیث محمد بن اورمه است. به همین دلیل است که ابن‌غضائری در مقام دفع اتهام غلو از محمد بن اورمه چنین می‌گوید: «إِنَّهُمْ الْقَمِيُونُ بِالْغُلُوِّ، وَحَدِيثُهُ نَقِيٌّ لَافْسَادٍ فِيهِ» (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴ش، ۹۳ش، ۱۳۳).

شاید بتوان سخن امام حسن عسکری (ع) درباره کتاب یوم و ليله را پشتوانه کاربست واژه صحیح در دانش اعتبارسنجی دانست. ایشان به هنگام تایید کتاب پیش‌گفته چنین فرمودند: «قَالَ: هَذَا صَحِيحٌ يَنْبَغِي أَنْ يُعْمَلَ بِهِ» (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۳۸ش، ۱۰۲۳). بنابراین، بازگشت معنای لغوی و درون‌دانشی این واژه این است که، هر آن‌چه در این کتاب‌ها و احادیث - به عنوان آموزه‌های دینی - به معصوم (ع) نسبت داده شده است، تام بوده و از هر گزندی در امان است.

همان‌گونه که در بخش «استثنا در دانش نحو» گذشت، استثنا به اعتبار وجود رابطه بعضیّت میان مستثنی و مستثنی منه و عدم آن، بر دو بخش اتصال و انفصال تقسیم می‌شود. بر این پایه می‌توان به استثنای ابن‌ولید در مدخل یونس از دو زاویه و در مجموع با چهار احتمال نظر افکند:

الف) استثنای متصل: در این نوع از استثنا، نسبت تمام کتاب‌ها - چه کتاب‌های روایت شده از سوی محمد بن عیسی بن عبید و چه کتاب‌های روایت شده از سوی دیگران - به یونس بن عبدالرحمن ثابت است. بنابراین، نقش امانت‌دارانه محمد بن عیسی بن عبید در انتساب و انتقال کتاب‌ها و احادیث یونس، پذیرفته شده است و اختلالی وجود ندارد. در نتیجه، بدون در نظر داشت هیچ مسئله پیرامونی، دو احتمال زیر شامل حکم صحت نمی‌شود:

- ۱- آگاهی به نادرستی صحت محتوا: به معنای آگاهی از این نکته که منقرضات مذکور - به هر دلیلی - صحیح نیستند؛ یعنی نسبت آن‌ها به معصوم (ع) تام نیست.
- ۲- ناآگاهی از صحت محتوا: به معنای تردید داشتن در درستی محتوای منقرضات مذکور است.

با فرض متصل دانستن استثنا و ثابت بودن انتساب تمام کتاب‌ها به یونس بن عبدالرحمن، برون‌داد استثنای متصل، وجود عامل یا عواملی در پذیرفتن احادیث نقل شده از سوی یونس بن عبدالرحمن است. بدین معنا که اشکال از نگاه استثنانگر متوجه یونس بوده است نه گزارش‌گران و انتقال‌دهندگان کتاب‌های وی. شاید بتوان از عبارت نجاشی که می‌گوید: «ما تفرد به محمد بن عیسی من کتب یونس و حدیثه لا یعمد علیه» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۳۳، ش ۱۸۹۶). چنین برداشت کرد که وی استثنا متصل را تقویت می‌کند.

ب) استثنای مفصل (منقطع): در این استثنا در نگاه اول، هیچ رابطه‌ای میان مستثنی و مستثنی منه وجود ندارد؛ بنابراین مستثنی - احادیث منقرض محمد بن عیسی - از کتاب‌ها و احادیث ثابت‌الانتساب یونس بن عبدالرحمن نیستند. براین پایه، یونس بن عبدالرحمن از گمانه تردید و ابهام خارج شده و محور تحلیل استثنا، محمد بن عیسی بن عبید است. حضور وی در طریق انتقال، دو احتمال زیر را رقم می‌زند تا منقرضات وی از یونس شامل حکم صحت نشود:

۱. آگاهی از ثابت نبودن انتساب این مجموعه - کتاب یا حدیث - به یونس.
۲. ناآگاهی از انتساب این مجموعه به یونس به دلیل وجود محمد بن عیسی و همراه نبودن قرائن با وی: به بیان دیگر، نبود هم‌سوئی داده‌های محمد بن عیسی با نسخه اسماعیل بن مرار و صالح بن سندی^۱ موجب تردید در انتساب این داده‌ها به یونس شده است.

۱. صالح بن سندی تحریف شده عنوان: صالح بن سعید راشدی است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴: ۷۲۸). اسماعیل بن مرار و صالح بن سندی هر یک گزارش‌گر نسخه‌ای از کتاب‌های یونس بن عبدالرحمن هستند که در انتهای این نوشتار به گونه مختصر به آن اشاره می‌شود.

بر پایه مطالب پیش گفته، اگر استثنا در سخن ابن ولید را استثنای منفصل قلمداد کنیم، خرده گیری و تردید به جانب محمد بن عیسی بن یونس داده خواهد شد. شاید ظاهر نقل شیخ طوسی در مدخل یونس ناظر به این نوع از استثنا باشد.

برای انتخاب و گزینش یکی از احتمالات پیش گفته، نیاز به بررسی گمانه های مختلف درباره زیوساخت و دلیل استثنای ابن ولید است که بعد از تفسیر مدلول استثنای ابن ولید، در پی خواهد آمد.

۴. تفسیر مدلول استثنای ابن ولید در نگاه دانشیان

گفتنی است که برخی دانشوران سخن ابن ولید را از پایه نپذیرفته و اثری بر آن بار نکرده اند. ابن نوح سیرافی (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۴۸، ش ۹۳۹)، نجاشی (۱۳۶۵ ش، ۳۳۳، ش ۸۹۶)، علامه حلی (۱۴۱۱ ق، ۲۶، ۵۳، ۱۴۲؛ ۱۴۱۳ ق، ۱: ۲۲۷، ۵: ۳۹۶؛ ۱۴۱۳ ق، ۱: ۲۶۱، ۹: ۱۶۰)، یوسف بن احمد بحرانی (۱۴۰۵ ق، ۴: ۱۸۴، ۱۸: ۲۳۹)، محمد باقر بهبهانی - وحید بهبهانی (۱۴۲۴ ق، ۱: ۱۷۶، ۱۹۲، ۳: ۲۹۹، ۴: ۸۶، ۹: ۱۲۶، ۲۰۵، ۲۵۳؛ ۱۴۱۹ ق، ۲: ۱۱، ۳: ۳۹)، احمد بن صالح آل طعان بحرانی (۱۴۱۹ ق، ۲: ۴۰۸)، سید ابوالقاسم خوئی (۱۴۱۶ ق، ۲: ۲۹۴، ۱۴۱۰ ق، ۴: ۲۴۷؛ ۱۴۱۸ ق، ۲: ۱۸؛ ۶: ۳۵، ۷: ۱۲۶، ۱۴۹، ۳۳۸، ۸: ۴۰۴، ۱۲: ۱۷۱، ۱۵: ۱۹۳، ۱۷: ۳۲۱، ۲۱: ۱۱۶، ۲۳: ۲۶۶، ۲۴: ۳۷۷، ۴۲۹، ۴۶۷)، سید عبدالاعلی سبزواری (۱۴۱۳ ق، ۳: ۲۱۴، ۷: ۲۴) از این دسته اند.

طبیعی است که این گروه، به دلیل نپذیرفتن استثنا، گفت و گویی در مورد چگونگی تفسیر مدلول استثنای ابن ولید به میان نیاورده اند.

البته نباید از یاد برد که از عبارت ابن نوح این گونه برداشت می شود که، وی تلقی ضعف از استثنای ابن ولید داشته است. به همین دلیل وی، پذیرش خویش را نسبت به استثنای راویان نوادر الحکمة اعلام می کند، اما در مقابل استثنای محمد بن عیسی ایستادگی کرده و می گوید: «فلا أدري ما رآه فيه، لأنه كان على ظاهر العدالة والثقة» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۴۸، ش ۹۳۹).

نجاشی هم با برداشت استاد خویش هم سو بوده و با عبارت: «جلیل فی (من) أصحابنا، ثقة، عین، کثیر الروایة، حسن التصانیف» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۳۳، ش ۸۹۶). در توصیف محمد بن عیسی، مخالفت خویش با استثنای ابن ولید آشکار کرده است. صرف نظر از گروه پیش گفته، برخی دیگر سخن ابن ولید را پذیرفته و در مجموع دو تفسیر از آن ارائه کرده اند.

تفسیر اول

باورمندان به این تفسیر، با پذیرش سخن ابن ولید، بر این نکته اشتراک دارند که این استثنا به وثاقت محمد بن عیسی آسیبی وارد نمی‌کند بلکه مشکل در طریق دستیابی وی به روایات یونس است. نقطه افتراق این مجموعه به گمانه‌هایی برمی‌گردد که به عنوان زیر ساخت استثنای ابن ولید مطرح کرده‌اند. برخی مانند: ابن داود حلی (۱۳۴۲ ش، ۵۰۹)، محمد تقی مجلسی (۱۴۰۶ ق، ۱۴: ۵۴)، محمد حسن آشتیانی (۱۴۲۶ ق، ۲: ۸۰۱)، سید روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۷۶ ش، ۲۹۵)، سید کاظم حائری (۱۴۰۸ ق، ۲: ۳۹۲)، امین ترمس عاملی (۱۴۱۷ ق، ۹۰)، زیر ساخت استثنای ابن ولید را خردسال بودن محمد بن عیسی هنگام دریافت روایت دانسته‌اند. برخی مانند: محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (۱۴۳۱ ق، ۱: ۶۱؛ ۴: ۱۴۳)، مرتضی حائری یزدی (۱۴۱۸ ق، ۶۰۳)، بر ارسال در سند، به عنوان دلیل سخن ابن ولید انگشت گذاشته‌اند. باقی دانشمندان زیر، از پذیرندگان تفسیر اول به شمار می‌آیند که نسبت به دلیل استثنا سکوت پیشه کرده‌اند: محقق اردبیلی (۱۴۰۳ ق، ۲: ۵، ۷، ۱۵۴، ۴۰۰، ۳: ۲۰، ۲۵۶، ۳۸۸، ۴: ۸۷، ۱۷۴، ۲۲۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۵: ۹۳، ۲۳۸، ۷: ۲۰۱، ۸: ۱۱۳، ۹: ۹)، محمد بن حسن عاملی (۱۴۱۹ ق، ۲: ۱۰۹، ۲۹۹، ۴: ۸، ۵: ۱۴۲، ۷: ۹۵)، سید محمد باقر حسینی استرآبادی - میرداماد (۱۳۹۷ ق، ۴۹، ۱۴۰۴، ۱: ۲۶۹)، سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی (۱: ۱۹، ۲۸، ۱۲۴، ۱۸۷، ۳۹۲، ۴۰۸، ۵۴۴)، سید محمد جواد حسینی عاملی - صاحب مفتاح الکرامه (بی‌تا، ۳: ۵۷۲، ۸: ۴۵، ۱۰: ۳۶۰)، سید محمد مجاهد طباطبائی (بی‌تا، ۴۱۱)، ملا حبیب‌الله شریف کاشانی (۱۴۲۸ ق، ۱: ۳۸۲)، سید مصطفی خمینی (۱۴۱۸ ق، ۲۳۲، ۳۸۳)، محمد علی اراکی (۱۴۲۱ ق، ۲: ۳۰۹)، جواد تبریزی (۱۴۲۹ ق، ۶: ۸۳، ۸۷).

تفسیر دوم

برخی دانشیان، با پذیرش سخن ابن ولید، از آن استظهار ضعف کرده‌اند. فهرست اسامی دانشمندان زیر در پرونده علمی این تفسیر ثبت شده است:

محقق حلی (۱۴۰۷ ق، ۱: ۸۱، ۱۲۵، ۲۱۰، ۲۸۹، ۳۵۸، ۴۲۴، ۴۲۷، ۶۷۷)، شهید اول (۱۴۱۹ ق، ۱: ۷۲، ۲۵۶؛ ۱۴۱۴ ق، ۳: ۴۶۴)، فاضل مقداد سیوری (۱۴۰۴ ق، ۱: ۱۰۵، ۴: ۲۴۵)، ابن فهد حلی (۱۴۰۷ ق، ۳: ۵۶۶ و ۵۶۸)، محقق کرکی (۱۴۱۴ ق، ۲: ۳۱۲)، شهید ثانی (۱۴۰۲ ق، ۲: ۹۸۱؛ ۱۴۱۳ ق، ۲: ۲۷، ۳: ۱۳۷، ۸: ۸۹، ۱۴: ۱۵۸، ۲۲۲، ۳۷۲، ۱۵: ۶۸، ۲۲۶، ۳۱۸، ۴۸۱)، سید محمد بن علی موسوی عاملی - صاحب مدارک (۱۴۱۱ ق، ۱: ۱۱۱، ۲: ۲۸،

۱۶۹، ۲۸۹، ۳: ۳۵۰، ۴: ۲۶۶، ۶: ۹۶)، حسن بن زین الدین عاملی - صاحب معالم (۱۴۱۸ق، ۲: ۵۵۴)، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی - شیخ بهائی (۱۴۲۴ق، ۵۹، ۱۳۹۰ق، ۲۴۶، ۱۴۱۴ق، ۴۴۹)، محقق سبزواری (۱۴۲۷ق، ۱: ۳۴، ۶۷، ۱۵۶، ۲۶۹، ۲: ۲۷۵)، فیض کاشانی (۱۴۲۹ق، ۳: ۴۱)، سید نعمه الله جزائری (۱۴۰۸ق، ۲: ۱۵۹، ۳: ۴۹۸)، میرزا هاشم آملی (۱۴۰۶ق، ۲: ۳۳۸).

۵. گمانه‌های گوناگون درباره زیرساخت استثنای احادیث منفرد محمد بن عیسی بن عبید لزیونس

منظور از حدیث منفرد، حدیثی است که درون مایه آن، نه از سوی دیگر احادیث یا ادله، پشتیبانی شده و نه دلیلی برخلاف آن یافت می‌شود. ابن ولید با دو پشتوانه مهم، احادیث منفرد محمد بن عیسی را مورد تردید قرار داده است:

اول: آشنایی گسترده با میراث حدیثی شیعه: ابن ولید از لحاظ زمانی در جایگاهی قرار دارد که بخش عظیمی از میراث فرهنگی شیعه از عصر معصومان (ع) به دست وی رسیده است. نگاهی گذرا به طرق شیخ طوسی در فهرست و طرق نجاشی و مشیخه شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، بیان‌گر نقش ممتاز و بی‌بدیل ابن ولید در دریافت بسیاری از کتاب‌های حدیثی و انتقال آن به نسل‌های پسینی است.

دوم: بازه زمانی زیست: پیش از این گذشت که ابن ولید در (۳۴۳ق) از دنیا رفته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۸۳، ش ۱۰۴۲). طبیعی است که در بازه زمانی زیست وی، حدیث جدیدی از معصومان (ع) صادر نمی‌شود. هنگامی که وی سخن از انفراد یک حدیث یا یک بسته حدیثی می‌راند، بدین معناست که چنین روایاتی تنها از سوی راوی یا راویان خاصی تحدیث شده که نه در بازه زمانی پیش از آن و نه در بازه زمانی پس از آن، تا زمان ابن ولید هیچ شاهد و مؤیدی ندارد.

در این فراز شایسته است به گمانه‌های مختلفی که زیرساخت تردید ابن ولید را مورد بررسی قرار داده‌اند پردازیم؛ تا در ادامه، دلیل رفتار عملی وی در استثنای احادیث منفرد محمد بن عیسی از یونس به روشنی آشکار شود.

۵-۱. گمانه اول: خردسالی محمد بن عیسی هنگام تحمل حدیث و مسأله ارسال

برخی دانشیان^۱، دلیل زیرساخت پذیرفتنی نبودن منفردات محمد بن عیسی از یونس را خردسال بودن و ابهام در طبقه وی دانسته‌اند. به عبارت دیگر، وی یونس را در سنّی درک کرده است که امکان تعامل و ارتباط روایی بدون واسطه میان آن دو وجود نداشته است.

۱. به اسامی باورمندان این گمانه در بخش «تفسیر مدلول استثنای ابن ولید در نگاه دانشیان» اشاره شده است.

خاستگاه این چالش، عبارتی است که در کتاب کشی (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۳۷، ش ۱۰۲۱) و رجال نجاشی - به نقل از کشی (نجاشی، ۱۳۶۵، ش ۳۳۳، ش ۸۹۶) راه یافته است. در تبیین این سخن گفتنی است که سال وفات حسن بن محبوب ۲۲۴ هجری قمری (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۸۴، ش ۱۰۹۴) و تاریخ وفات یونس حداکثر تا زمان شهادت امام رضا (ع) یعنی سال ۲۰۳ قمری می باشد، بدین ترتیب فاصله وفات میان این دو راوی، ۲۱ سال خواهد بود. چالش پیش رو در این است که اگر محمد بن عیسی بن عبید از شاگردان کوچک حسن بن محبوب باشد، چگونه می تواند به شکل طبیعی و در سنّ قابل قبولی، یونس بن عبدالرحمن را ادراک کرده باشد و از وی روایت کند؟ برخی دانشیانی که این گمانه را پذیرفته و به دنبال آن، مسئله انقطاع و ارسال رابطه روایی میان محمد بن عیسی و یونس را به دلیل خردسال بودن طرح کردند. این گروه پشتوانه نظر خود را عبارت «با سناد منقطع» در سخن ابن ولید در مدخل محمد بن احمد بن یحیی می دانند (نجاشی، ۱۳۶۵، ش ۳۴۸، ش ۹۳۹؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۱۰، ش ۶۲۳).

۱-۱-۵. نقد گمانه اول

در پاسخ به گمانه اول^۱، نکته های زیر قابل توجه است:

اول: برای پاسخ به این شبهه که محمد بن عیسی از لحاظ زمانی قابلیت ادراک و تعامل با یونس را نداشته است، نخست بایسته است که به مولفه های شناخت طبقه پرداخته شود. مهم ترین این مولفه ها تحدید و ترسیم بازه زمانی حیات راوی است. در هیچ یک از منابع رجالی و تراجم، به تاریخ ولادت محمد بن عیسی اشاره نشده است. اما با تحلیل و چینش قرینه های اثرگذار زیر، محدوده ولادت این راوی و الامقام، نمود روشنی می یابد.

یکی از عوامل تاثیرگذار برای تخمین ولادت راوی، تعیین محدوده سنّ برای آغاز تحمل حدیث در بستر فرهنگی شیعی است. از یک سو به گاه رجوع به ترجمه علی بن حسن بن فضال در کتاب نجاشی می توانیم شروع تحمل حدیث را میان ۲۰ تا ۲۵ سالگی فرض کنیم (نجاشی، ۱۳۶۵، ش ۲۵۸، ش ۶۷۶). از سوی دیگر؛ گزارش های متعددی وجود دارد که محمد بن عیسی بن عبید در میان سال های ۱۹۸ تا ۲۰۱ از افرادی مانند ابراهیم بن عبد الحمید (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۱۵، ش ۴۶)، عبدالله بن میمون قنّاح (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۲۰، ش ۶۷)، عبدالله بن ابراهیم بن ابی عمرو غفاری (الأصول الستة عشر، ۱۲۲) به فراگیری

۱. نگارندگان در مقاله: «تحلیل داده های طبقه شناختی محمد بن عیسی بن عبید در پرتو منابع رجالی و حدیثی» به چالش های مربوط به ارتباط روایی محمد بن عیسی با یونس به گونه تفصیلی پرداخته اند.

و تحمل حدیث پرداخته است. بر پایه این سخن، می‌توان ولادت محمد بن عیسی را به گونه تخمینی میان سال‌های ۱۷۳ تا ۱۷۸ هجری قمری ارزیابی کرد^۱ (ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی‌پور، ۱۴۰۱ ش، ۵۴).

نگارندگان در هیچ یک از منابع مکتوب به سال وفات محمد بن عیسی برخورد نداشته‌اند،^۲ اما می‌توان گزارش کشی از محمد بن ابراهیم سمرقندی را پشتوانه تخمین سنّ محمد بن عیسی قرار داد. از این گزارش چنین برداشت می‌شود که محمد بن عیسی بن عبید تا زمان رحلت فضل بن شاذان در قید حیات بوده است (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۳۷، ش ۱۰۲۳). کشی در گزارش دیگری این زمان را سال ۲۶۰ هجری خاطر نشان کرده است (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۴۳، ش ۱۰۲۸). بنابراین سن وی در حدود تقریبی ۸۷ تا ۹۰ سال تخمین زده می‌شود.

دوم: اگر تاریخ ولادت محمد بن عیسی در سال ۱۷۳ قرار داده شود، سن تقریبی محمد بن عیسی در هنگام وفات اساتید خویش در جدول زیر نمایش داده شده است:

نام اساتید	سال وفات	سن تقریبی
یونس بن عبدالرحمن	۲۰۳ ^۳	۳۰
حماد بن عیسی جهنی	۲۰۹ ^۴	۳۶
صفوان بن یحیی بجلي	۲۱۰ ^۵	۳۷
محمد بن ابی عمیر زیاد	۲۱۷ ^۶	۴۴
محمد بن سنان زاهری	۲۲۰ ^۷	۴۷
احمد بن محمد بن ابی نصر بزظی	۲۲۱ ^۸	۴۸
حسن بن محبوب	۲۲۴ ^۹	۵۱

۱. مرحوم مامقانی با اشاره به بعضی از قرائن، سال ولادت محمد بن عیسی را سال ۱۸۰ق و یا قبل از آن، تخمین زده است: «فالإماراتُ المذكورةُ تشهدُ بولادةِ محمد بن عیسی فی حدودِ المائةِ و ثمانینَ فما قبلها» (مامقانی، بی تا، ۳: ۱۶۹).

۲. با جست‌وجوی واژگانی مانند: مات، سنة، توفی در اصول شش‌گانه رجالی شیعه تنها با بازتاب بیش از دو یست داده رجالی درباره تاریخ وفات راویان مواجه هستیم.

۳. نگارندگان در مقاله: «تحلیل داده‌های طبقه‌شناختی محمد بن عیسی بن عبید در پرتو منابع رجالی و حدیثی» به‌گونه تفصیلی به تبیین سیال وفات یونس بن عبدالرحمن پرداخته‌اند.

۴. کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۱۷، ش ۵۷۲: «عاش إلى وقت الرضا (ع) و توفي سنة تسع و مائتين».

۵. نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۹۸، ش ۵۲۴: «مات صفوان بن یحیی رحمه الله سنة عشر و مائتين».

۶. همان، ۳۲۸، ش ۸۸۷: «مات محمد بن ابی عمیر سنة سبع عشرة و مائتين».

۷. همان، ۳۲۸، ش ۸۸۸: «او مات محمد بن سنان سنة عشرين و مائتين».

۸. همان، ۳۷۷، ش ۱۸۲: «او مات أحمد بن محمد، سنة إحدى و عشرين و مائتين».

۹. کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۸۴، ش ۱۰۹۴: «و مات الحسن بن محبوب في آخر سنة أربع و عشرين و مائتين».

این جدول به روشنی آشکار می‌سازد که محمدبن عیسی در سن قابل قبولی با اساتید خویش تعامل حدیثی داشته و گمانه خردسال بودن وی نسبت به حسن بن محبوب و همچنین یونس را نمی‌توان پذیرفت.

سوم: در برخی گزارش‌ها، نشان از ارتباط محمدبن عیسی بن عبید با حسن بن علی بن فضال و یونس بن عبدالرحمن، به خوبی آشکار است (کلینی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۸۸، ح ۷). این نکته بدین معناست که سن محمدبن عیسی بن عبید به گونه‌ای می‌باشد که شأنیت نشستن و مورد خطاب واقع شدن با یونس و هم طبقه استاد خویش یعنی ابن فضال را در داد و ستدهای علمی داشته است.

چهارم: استفاده از عبارات السنند (تعبیر واسطه) -مانند «حَدَّثَنِي» (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۹۵، ش ۵۲۲؛ ۴۴۹، ش ۸۴۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۸۲، ح ۱۴۵۱) یا «حَدَّثَنَا» (حلی، ۱۴۲۱ق، ۴۲۲، ح ۴۹۹؛ ۴۸۷، ش ۵۴۳؛ ۴۹۱، ش ۵۵۲) - در تعاملات حدیثی محمدبن عیسی با یونس دلالت بر اخذ و تحمل حدیث شاگرد از استاد خویش در سن قابل قبول به گونه سماع و قرائت مستقیم می‌کند و دور کننده سقط و ارسال در این ارتباط روایی می‌باشد.

پنجم: اگر چه برخی دانشیان واژه «یاسناد منقطع» در سخن ابن ولید، در مدخل محمد بن احمد بن یحیی (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۴۸، ش ۳۳۹؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۱۰، ش ۶۲۳) را به معنای ارسال و ناپیوستگی دانسته و آن را دلیل استثنا قلمداد کرده‌اند، اما در پژوهش‌های انجام شده به این دستاورد رسیده‌ایم که چنین پدیده‌ای به هیچ‌گونه توان رخ نمودن ندارد.^۱ بایسته است که واژه منقطع به: بریده شده، جدا شده و تک افتاده معنا شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۵: ۱۰۱). بنابراین، عبارت «یاسناد منقطع» در رجال نجاشی به اسنادی تفسیر می‌شود که از دیگر اسنادها جدا افتاده است. بدین معنا که درون مایه و محتوای روایت شده، تنها از یک مسیر و با یک سند نقل شده و هیچ مسیر و سند دیگری به بیان آن نپرداخته است.

۵-۲. گمانه دوم: تضعیف محمدبن عیسی بن عبید

برخی^۲ به این گمانه باور دارند که اگر دو عبارت پیش گفته -نجاشی و شیخ طوسی- در مدخل یونس بن عبدالرحمن را در کنار گزارش زیر از شیخ طوسی در مدخل

۱. نگارندگان در مقاله: «تحلیل مفهوم شناسانه عبارت «یاسناد منقطع» پیرامون محمدبن عیسی بن عبید» به بازخوانی تحلیلی - تاریخی دیدگاه‌های گوناگون پیرامون عبارت «یاسناد منقطع» به گونه تفصیلی پرداخته‌اند.

۲. به اسامی باورمندان این گمانه در بخش «تفسیر مدلول استثنای ابن ولید در نگاه دانشیان» اشاره شده است.

محمد بن عیسی قرار دهیم، شائبه ضعف وی تقویت می‌شود: «مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْبَقَطِينِيِّ، ضَعِيفٌ، اسْتَنَاهُ أَبُو جَعْفَرِ ابْنِ بَابُوَيْهٍ مِنْ رِجَالِ نَوَادِرِ الْحِكْمَةِ، وَقَالَ: لَا أُرْوِي مَا يَخْتَصُّ بِرِوَايَتِهِ، وَقِيلَ: إِنَّهُ كَانَ يَذْهَبُ مَذْهَبَ الْغُلَاةِ!» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲، ش ۶۱۲).
ظاهر این گزارش تاکید می‌کند که محمد بن عیسی از نگاه ابن ولید و شیخ صدوق، ضعیف تلقی شده است و همین دلیل، زیرساخت استثنای احادیث منفرد وی از یونس را توسط ابن ولید رقم زده است.

۵-۲-۱. نقد گمانه دوم

با واکاوی و جست و جو در منابع اعتبارسنجی و حدیثی، می‌توان دلیل‌های زیر را در نقد تضعیف محمد بن عیسی بن عبید فراز آورد:

اول: شیخ طوسی تنها دانشمندی است که در میان پیشینیان، نگاه تخریبی و سلبی به محمد بن عیسی داشته و با استظهار و اجتهاد خویش در تضعیف وی شخصیت استقلالی او را مورد هدف قرار داده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲، ش ۶۱۲؛ ۱۳۷۳ش، ۳۹۱، ش ۵۷۵۸ و ۴۴۸، ش ۶۳۶۱؛ ۱۳۹۰ق، ۳: ۱۵۶). همو برای تقویت یا تعلیل دیدگاه خویش از سخن شیخ صدوق بهره برده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲، ش ۶۱۲).

در بازخوانی سخنان و دیدگاه دانشیان شیعه، درباره محمد بن عیسی در عصرهای گوناگون - مانند: فضل بن شاذان (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۳۷، ش ۱۰۲۱)، ابن نوح سیرافی (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۴، ش ۱۸۹۶)، کشی (۱۴۰۹ق، ۵۰۷، ش ۹۰۸)، نجاشی (۱۳۶۵ش، ۳۳۳، ش ۱۸۹۶) که به بلندای علمی و جلالت قدر او باور داشته‌اند - نمی‌توان استظهار شیخ طوسی را صحیح پنداشت.

دوم: به گاه واکاوی در کتاب من لایحضره الفقیه نسبت به تعامل شیخ صدوق با احادیث محمد بن عیسی بن عبید، به وضوح آشکار می‌شود که در کتاب فقیه ۵۳۵ بار نام محمد بن عیسی بن عبید در اسناد مشیخه و متن کتاب آمده است. در یک دسته بندی کلی، سندهایی که نام وی در این کتاب وارد شده به دو گروه بخش بندی می‌شود:
الف) مواردی که نام محمد بن عیسی بن عبید در مشیخه و در طریق به روایات دیگران قرار گرفته است.

مواردی که نام او فقط در اسناد متن کتاب فقیه آمده است، نه در مشیخه.

دامنه بررسی این پژوهش فقط گروه دوم قرار داده شد. مجموعه این اسناد، ۲۲ مورد

می‌باشد که در ۱۴ سند آن، محمدبن عیسی بن عبید در صدر اسناد قرار دارد.^۱ نکته قابل توجه این است که برخی از این روایات به گونه منفرد عرضه شده و در بردارنده احکام فقهی الزامی منفرد^۲ است؛ بنابراین بازتاب رفتار عملی شیخ صدوق نشان می‌دهد که وی نه تنها منفردات محمدبن عیسی بن عبید را نقل کرده بلکه به آن‌ها اعتماد داشته و فتوا داده است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۱ ش). بر اینند نکته‌های پیش گفته این است که نمی‌توان تضعیف شخصیت استقلال‌ی محمدبن عیسی بن عبید را به شیخ صدوق نسبت داده و بر پایه آن، حکم به ضعف محمدبن عیسی کرد.

سوم: ابن ولید به شخصیت طریقی محمدبن عیسی بن عبید اعتماد کرده است؛ زیرا آثار روایانی چون عبیدالله بن عبدالله دهقان واسطی (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۲۳۱، ش ۶۱۴؛ طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۳۰۷، ش ۴۶۹)، اسماعیل بن جابر جعفی (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۲، ش ۷۱؛ طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۳۷، ش ۴۹)، زکریا مومن (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰۶، ش ۳۰۶)، طاهر بن حاتم قزوینی (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۲۰۸، ش ۵۵۱؛ طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۲۵۵، ش ۳۷۰) و یاسین ضریر بصری (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۵۱۴، ش ۸۱۹) از طریق محمد بن عیسی بن عبید بدون هیچ استثنائی نقل می‌کنند. دامنه استثنا، تنها به شخصیت طریقی و غیر استقلال‌ی وی نسبت به گزارش‌های یونس بن عبدالرحمن محدود و منحصر می‌شود.^۳

۳-۵. گمانه سوم: تضعیف یونس بن عبدالرحمن

یونس بن عبدالرحمن از افقه فقهای طبقه سوم اصحاب اجماع می‌باشد (کشی، ۱۴۰۹ ق، ۵۵۶، ش ۱۰۵۰) که در عصر امام رضا (ع) می‌زیسته است. وی از شخصیتی استوار و خلل‌ناپذیر برخوردار بود، از این رو بعد از شهادت امام کاظم (ع) در مقابل واقفه ایستادگی کرد (اشعری، ۱۳۶۰ ش، ۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق، ۶۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۴۴۶، ش ۱۲۰۸).

۱. روایاتی که محمدبن عیسی در صدر سند حضور دارد: صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۱۷۹: ۲؛ ح ۲۰۷۱: ۳؛ ۱۱۰، ح ۳۴۲۹: ۳؛ ۱۵۴: ح ۳۵۶۰ و ح ۳۵۶۱: ۳؛ ۱۷۳، ح ۳۶۵۴: ۳؛ ۲۹۳، ح ۴۰۵۱: ۳؛ ۳۱۰، ح ۴۱۱۱: ۴؛ ۱۸۱، ح ۵۴۱۰: ۴؛ ۲۰۶، ح ۵۴۷۸ و ح ۵۴۷۹: ۴؛ ۲۰۹، ح ۵۴۸۶: ۴؛ ۲۳۳، ح ۵۵۵۵: ۴؛ ۲۳۹، ح ۵۵۷۱: ۴؛ ۲۴۲، ح ۵۵۷۶. روایاتی که وی در صدر سند قرار نگرفته است: صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۴۳۷: ۳؛ ح ۴۵۱۰: ۳؛ ۵۳۹، ح ۴۸۵۶: ۴؛ ۲۲۲، ح ۵۵۲۶ (در سند این روایت دو عنوان: مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ و مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ محرف هستند و اصل آن محمدبن الحسن و محمدبن عیسی است)؛ ۴: ۲۳۲، ح ۵۵۵۴: ۴؛ ۲۳۳، ح ۵۵۵۶: ۴؛ ۲۳۵، ح ۵۵۶۲: ۴؛ ۲۳۷، ح ۵۵۶۸: ۴؛ ۲۳۸، ح ۵۵۷۰.

۲. باید توجه داشت، هنگامی که گفته می‌شود: احکام فقهی الزامی منفرد یعنی فتوادان به چنین روایاتی، از هیچ شاهد بیرونی برخوردار نیست؛ افزون بر آن که از جهت حکمی در محدوده آداب و سنن نیز نمی‌گنجد که مورد و مجرای تسامح و تساهل در ادله سنن باشد.

۳. نگارندگان در مقاله «واکوی تحلیلی - انتقادی داده‌های راوی‌شناسانه مدخل محمدبن عیسی بن عبید در فهرست شیخ طوسی» به گونه تفصیلی به نقد گمانه دوم پرداخته‌اند.

از سوی دیگر در کتاب کشی با گزارش‌هایی روبرو هستیم که بیان‌گر مخالفت بسیاری از شیعیان و اصحاب امام رضا (ع) با یونس بن عبدالرحمن است. در برخی از این گزارش‌ها به یونس تهمت کفر و زندقه وارد شده است (کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۸۸، ش ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰). شاید برخی این گمان را داشته باشند که استثنای ابن ولید به دلیل تاثیرپذیری از داده‌های تخریبی پیرامون یونس بن عبدالرحمن باشد (مازندرانی، ۱۴۳۱ق، ۱: ۶۳).

۵-۳-۱. نقد گمانه سوم

در داوری گمانه سوم، شایسته است که روایات راه‌یافته به کتاب من لایحضره الفقیه مورد واکاوی قرار گیرد؛ زیرا رفتار عملی شیخ صدوق در تعامل با روایات، بر پایه مبانی حدیث‌شناختی و رجال‌شناختی ابن ولید استوار است.^۱ بعد از مراجعه و بررسی کتاب من لایحضره الفقیه این نکته برداشت می‌شود که شیخ صدوق نه تنها با شخصیت استقلال‌ی یونس مشکل نداشته، بلکه به برخی روایات وی که در بردارنده احکام فقهی الزامی منفرد است، فتوا داده است. برای راستی آزمایی این برداشت، به سه حدیث زیر می‌توان، به عنوان نمونه، اشاره کرد:

حدیث اول: «وَرَوَى يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي الْمُسَافِرِ يَدْخُلُ أَهْلَهُ وَهُوَ جُنُبٌ قَبْلَ الزَّوَالِ وَلَمْ يَكُنْ أَكَلَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتِمَّ صَوْمَهُ وَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ قَالَ يَعْنِي إِذَا كَانَتْ جَنَابَتُهُ مِنْ احْتِلَامٍ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲: ۱۴۳، ح ۱۹۸۵).
 حدیث دوم: «فِي رِوَايَةِ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَيْتَةِ إِذَا أُقِيمَتْ عَلَى الْحَقِّ أَيْجَلُّ لِلْقَاضِي أَنْ يَقْضِيَ بِقَوْلِ

۱. شیخ صدوق در دو کتاب خود به تبعیت خویش از دیدگاه‌های راوی‌شناختی و حدیث‌شناختی ابن ولید تصریح می‌کند:

اول: من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳ق، ۲: ۹۰: «كُلُّ مَا لَمْ يُصَحِّحْ ذَلِكَ الشَّيْخُ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ لَمْ يَحْكَمْ بِصِحَّتِهِ مِنَ الْأَخْبَارِ فَهُوَ عِنْدَنَا مَثْرُوكٌ غَيْرُ صَاحِحٍ».

دوم: عیون أخبار الرضا (ع)، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۱: «كَانَ شَيْخَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَيِّ الرَّأْيِ فِي مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَسْمُوعِيِّ رَاوِي هَذَا الْحَدِيثِ وَإِنَّمَا أَخْرَجْتُ هَذَا الْخَبَرَ فِي هَذَا الْكِتَابِ لِأَنَّهُ كَانَ فِي كِتَابِ الرَّحْمَةِ وَقَدْ قَرَأْتُهُ عَلَيْهِ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَرَوَاهُ لِي».

افزون بر دو مورد پیش‌گفته می‌توان به سخن شیخ طوسی در مدخل یونس بن عبدالرحمن نیز اشاره کرد؛ وی در فراه‌های پایانی این مدخل چنین می‌گوید: «وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ يَقُولُ: كُتِبَ يُونُسُ التِّي هِيَ بِالرَّوَايَاتِ كُلِّهَا صَحِيحَةٌ يُعْتَمَدُ عَلَيْهَا إِلَّا مَا يَنْفَرِدُ بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ وَ لَمْ يَرَوْهُ غَيْرُهُ، فَاتَّهَ لَا يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ وَ لَا يُفْتَى بِهِ» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۱۲، ش ۸۱۳).

الْبَيْتَةِ فَقَالَ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ يَجِبُ عَلَى النَّاسِ الْأَخْذُ فِيهَا بِظَاهِرِ الْحُكْمِ الْوَلَايَاتُ وَالْمَنَاقِحُ وَالدَّبَائِحُ وَالشَّهَادَاتُ وَالْأَنْسَابُ فَإِذَا كَانَ ظَاهِرُ الرَّجُلِ ظَاهِرًا مَأْمُونًا - جازت شهادته و لا يُسأل عن باطنه» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۶، ح ۳۲۴۴).

حدیث سوم: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ حَقٌّ فَيَجْحَدُ حَقَّهُ وَ يَحْلِفُ أَنْ لَيْسَ لَهُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَيْسَ لِصَاحِبِ الْحَقِّ عَلَى حَقِّهِ بَيِّنَةٌ أَوْ يَجُوزُ لَهُ إِحْيَاءُ حَقِّهِ بِشَهَادَةِ الزُّورِ إِذَا خَشِيَ ذَهَابَ حَقِّهِ قَالَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِغَلَّةِ التَّدْلِيلِ. وَ هَذَا فِي رِوَايَةٍ - يُؤَنَسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۷۴، ح ۳۳۶۳).

۴-۵. جمع بندی نقد گمانه‌ها

برخی دانشیان، خردسال بودن محمد بن عیسی و همچنین اسناد منقطع را به عنوان دلیل و زیرساخت استثنای ابن ولید انگاشته‌اند، این در حالی است که با بررسی طبقه محمد بن عیسی به روشنی واضح گردید چنین انگاره و فرضیه‌ای نمی‌تواند صحیح باشد. وی در سن قابل قبول و متعارف به تحمل حدیث از یونس همت گماشته است.

از سوی دیگر، ابن ولید و شیخ صدوق در حیثیت استقلالی و حیثیت طریقی یونس و محمد بن عیسی به طور جداگانه و مستقل، اشکالی را بازگو نکرده‌اند و رفتار عملی این استاد و شاگرد حکایت از پذیرش منفردات یونس و محمد بن عیسی می‌کند. گفتنی است که ذهن دانش پژوهان در این مرحله هنوز گرفتار پرسش بنیادینی می‌باشد؛ زیرا به روشنی می‌یابیم که ابن ولید و شیخ صدوق، منفردات محمد بن عیسی از یونس را نپذیرفته و استثنا کرده‌اند؛ به گونه‌ای که این پدیده قابل انکار نیست. این پرسش جای دارد که چه عاملی در بستر تاریخ رخ داده است که باعث تردید در پذیرش منفردات وی از یونس شده است؟

۵-۵. گمانه چهارم (انگاره برگزیده نگارندگان)

برای پاسخ به پرسش پیش گفته شایسته است که گمانه دیگری غیر از موارد پیشین، به عنوان انگاره برگزیده نگارندگان فراآید. برای تبیین این گمانه نیاز به تحلیل و بررسی خاستگاه جغرافیایی علمی یونس بن عبد الرحمن و همچنین ساختار شخصیتی ابن ولید قمی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

به گاه بررسی و مطالعه داده‌های پیرامون هم طبقه‌های یونس در طبقه سوم اصحاب اجماع (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۵۶، ش ۱۰۵۰) - مانند صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، حسن بن علی بن فضال و... - به ویژگی آشکاری برخورد می‌کنیم. این ویژگی عبارت است از تعاملات فراوان حدیثی این گروه با اساتید متعدد و راویان فعال در حوزه حدیثی کوفه. اما چنین خصوصیتی درباره یونس بن عبدالرحمن به چشم نمی‌آید. مهم‌ترین استاد وی، عبدالله بن سنان است که در بغداد می‌زیسته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۱۴، ش ۵۵۸).

کوفه در آن زمان به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین پایگاه داد و ستدهای فرهنگی شیعه نقش آفرینی می‌کرده است. یونس بن عبدالرحمن در میان این حوزه حدیثی تنفس نکرده است. براینکه نبود ارتباط مستمر میان وی و حوزه کوفه، می‌تواند به این بینجامد که بخشی از درون مایه‌های راه‌یافته به احادیث و کتاب‌های وی از سوی حوزه کوفه پشتیبانی نشده و غریب انگاشته شود. طبیعی است که پذیرش چنین درون مایه‌هایی در گذر تاریخ و از سوی برخی دین‌شناسان - مانند ابن‌ولید - مورد تردید قرار گیرد. بر فرض پذیرش، گزارش ۴۰۱ و ۴۰۲ کتاب کشی (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۲۴، ش ۴۰۱؛ ۲۲۵، ش ۴۰۲)، می‌تواند گواه آشکاری بر این پدیده باشد که یونس از مسائل جاری علمی در بستر مباحثات بزرگان و عالمان فرهیخته شیعه در کوفه فاصله داشته است (ر.ک: حسینی شیرازی، عزیزکیلی، ۱۳۹۳ش).

در ارتباط روایی یونس با اساتید خویش، نه تنها از حضور پر شمار راویان سرشناس کوفی اثری نیست، بلکه در میان شاگردان وی نیز به چهره سرشناسی جز محمد بن عیسی بن عبید برخورد نمی‌کنیم. به دیگر بیان شاید بتوان گفت مسیر و مجرای اصلی دریافت و انتقال آموزه‌های حدیثی یونس بن عبدالرحمن بغداد بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۳، ش ۸۹۶). در فهرست زیر نام برخی شاگردان وی مشاهده می‌شود که همگی در بغداد می‌زیسته‌اند:

شاگردان بغدادی	یونس بن عبدالرحمن	اساتید بغدادی
محمد بن عیسی بن عبید ^۵		عبدالله بن سنان ^۱
ریان بن صلت ^۶		عبدالرحمن بن حجاج ^۲
علی بن معبد ^۷		زیاد بن مروان قندی ^۳
عباس بن موسی وراق ^۸		نضر بن سوید صیرفی ^۴
محمد بن احمد بن مطهر ^۹		
ابوهاشم جعفری ^{۱۰}		

از مطالب پیش گفته به دست می آید که گفت و گو و تعاملات حدیثی میان یونس و محمد بن عیسی در بستر حوزه بغداد جریان داشته است که بسته منحصر به فرد حدیثی (منفرد) را رقم زده است.

بنابراین می توان چنین پنداشت که ابن ولید به گاه رویارویی با این بسته حدیثی از سوی محمد بن عیسی، در انتسابش به یونس تردیدی ندارد، اما دو نقطه تاریک در ذهن وی موجب ابهام و تردید شده است:

۱. محتوای نسخه محمد بن عیسی بن عبید از کتاب های یونس بن عبدالرحمن، در نسخه اسماعیل بن مرار و صالح بن سندی نیست.^{۱۱}
۲. این منقرات در بستر علمی جامعه شیعه جریان نداشته و از سوی داده های رایج در حوزه حدیثی کوفه پشتیبانی نمی شود.

ابن ولید با توجه به این دو نکته، بسته حدیثی پیش رو را از جهت حکم و موضوع، منفرد انگاشته است و به دلیل نبود اطمینان، از ورود آن به مرحله حجیت فعلی و فتوا

۱. نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۲۱۴، ش ۵۵۸.

۲. نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۲۳۷، ش ۶۳۰.

۳. کشی، ۱۴۰۹، ق، ۴۶۶، ش ۸۸۶.

۴. نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۴۲۷، ش ۱۱۴۷.

۵. نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۳۳۳، ش ۸۹۶.

۶. طوسی، ۱۳۷۳، ش، ۳۵۷، ش ۵۲۹۳.

۷. طوسی، ۱۳۷۳، ش، ۳۸۸، ش ۵۷۱۱.

۸. نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۲۸۰، ش ۷۴۲.

۹. طوسی، ۱۳۷۳، ش، ۴۰۱، ش ۵۸۸۵.

۱۰. خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ق، ۸: ۳۶۵، ش ۴۴۷۱.

۱۱. در صفحات آغازین همین نوشتار، به نسخه های سه گانه کتاب های یونس بن عبدالرحمن اشاره شده است.

خودداری به عمل آورده و از این رو استثنا زده است.

شاید بروز چنین رفتاری از سوی ابن ولید تکیه بر شاکله شخصیتی وی داشته باشد. به نظر می‌رسد از جست‌وجو در داده‌های مرتبط با ابن ولید و رفتار وی با میراث حدیثی شیعه، می‌توان چنین برداشت کرد که او از شخصیتی محتاط برخوردار بوده است.^۱

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های زیر به عنوان دستاوردهای این پژوهش ارائه می‌گردد:

۱- نخستین گفت‌وگو و کنش‌گری انتقادی نسبت به استثنای ابن ولید (۳۴۳ق) درباره محمدبن عیسی در قرن پنجم توسط أحمدبن علی بن العباس بن نوح سیرافی (زنده در ۴۰۸ق) رخ داده است. این گفت‌وگوها در قرن هفتم با سکوت سپری شده اما در قرن هشتم تولدی دوباره یافته است.

۲- در مدلول سخن ابن ولید که شیخ صدوق آن را بازگو نموده میان دانشیان علوم اسلامی اختلاف وجود دارد و در مجموع دو تفسیر از آن ارائه شده است. تفسیر اول، بر این باور است که استثنای ابن ولید به وثاقت محمدبن عیسی خدشه وارد نمی‌کند. ره‌آورد تفسیر دوم استظهار ضعف محمدبن عیسی از سخن ابن ولید است.

۳- سه گمانه برای زیرساخت تردید در ابن ولید مطرح گردیده است؛ پذیرش هر سه مورد پس از تحقیق و بررسی در این نوشتار، مورد خدشه واقع شد.

۴- انگاره نوین در نوشتار پیش‌رو، نسبت به زیرساخت استثنای محمدبن عیسی توسط ابن ولید بر این نکته تأکید دارد: که ابن ولید مسئولیت تحدیث احادیث منفرد محمدبن عیسی بن عبید از یونس بن عبدالرحمن را به دلیل بغدادی بودن هر دو نپذیرفته است.

منابع

- آشتیانی، محمدحسن، کتاب الزکاة، تحقیق: سیدعلی غضنفری، علی‌اکبر زمانی‌نژاد، قم، زهیر، ۱۴۲۶ق.
 آل‌طعان بحرانی، احمدبن صالح، الرسائل الأحمديّة، قم، دارالمصطفی، ۱۴۱۹ق.
 آملی، میرزا هاشم، المعالم المأثورة، قم، المطبعة العلمیة، ۱۴۰۶ق.
 ابن داود حلّی، حسن بن علی، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
 ابن غضائری، احمدبن حسین واسطی بغدادی، رجال لابن الغضائری، مصحح: محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ش.
 ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
 ابن فهد حلّی، جمال‌الدین احمدبن محمد، المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۱. نگارندگان امیدوارند که در پژوهشی مستقل، به زوایای شخصیتی ابن ولید پرداخته و مستندات این برداشت رافراز آورند.

- اراکي، محمدعلي، كتاب الصلاة، قم، دفتر مولف، ۱۴۲۱ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، تحقیق: محمدتقی ایروانی - سید عبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- بهبهانی، محمدباقر، الحاشیة علی مدارك الأحكام، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- _____، مصابيح الظلام في شرح مفاتيح الشرائع، قم، مؤسسه علامه بهبهانی، ۱۴۲۴ق.
- تبریزی، جواد، تنقیح مباني العروة (الطهارة)، قم، دارالصدیقة الشهیدة (س)، ۱۴۲۹ق.
- ترمس عاملی، امین، ثلاثیات الكلینی و قرب الإسناد، قم، دارالحديث، ۱۴۱۷ق.
- جزائری، سیدنعمه الله، كشف الأسرار في شرح الاستبصار، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۸ق.
- جمعی از علما، الأصول الستة عشر، مصحح: ضیاءالدين محمودی، نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۳ق.
- حائری یزدی، مرتضی، كتاب الخمس، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
- حسن، عباس، النحو الوافي، قم، ذوي القربى، ۱۴۳۱ق.
- حسینی عاملی، سیدجواد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- حسینی حائری، سیدکاظم، مباحث الأصول، قم، دارالبشیر، ۱۴۰۸ق.
- حسینی شیرازی، سیدعلی رضا، احادیث منفرد فقهی الزامی؛ رفتار شیخ صدوق و چگونگی تحلیل آن، قم، رود آبی، ۱۴۰۱ش.
- حسینی شیرازی، سیدعلی رضا و لطفی پور، محمد. "واکاوی تحلیلی - انتقادی داده های راوی شناسانه مدخل محمد بن عیسی بن عبید در فهرست شیخ طوسی". مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ۷۸ (۱۴۰۲): ۳۵-۶۰.
- حسینی شیرازی، سیدعلی رضا، و طاهر عزیزوکیلی. "بازخوانی گزارش دس و تحریف غالیان در پرتو کارکرد فرهنگی نهاد امامت". امامت پژوهی ۴، ۱۵ (۱۳۹۳): ۳۱-۶۹.
- حسینی شیرازی، سیدعلی رضا و لطفی پور، محمد. "تحلیل داده های طبقه شناختی «محمد بن عیسی بن عبید» در پرتو منابع رجالی و حدیثی". دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث، ۱۶ (۱۴۰۱): ۴۶-۸۳.
- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، مصحح: مشتاق مظفر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.
- حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلی، مصحح: محمدصادق بحر العلوم، نجف، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- _____، مختلف الشیعة في أحكام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- _____، منتهی المطلب في تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
- خطیب بغدادی، أبو بکر أحمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، المعتمد في شرح المناسك، قم، منشورات مدرسة دارالعلم، ۱۴۱۰ق.
- _____، معتمد العروة الوثقی، قم، منشورات مدرسة دارالعلم، ۱۴۱۶ق.
- _____، موسوعة الإمام الخوئي، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئي، ۱۴۱۸ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.
- سیوری حلی، مقداد بن عبدالله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شریف کاشانی، ملا حبیب الله، منتقد المنافع في شرح المختصر النافع - كتاب الطهارة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۸ق.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، ذکری الشیعة في أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- _____، غایة المراد في شرح نکت الإرشاد، تحقیق: رضا مختاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، رسائل الشهید الثاني، تحقیق: رضا مختاری و حسین شفیعی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۱ق.

_____، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.

شیخ بهائی، محمد بن عزالدین حسین، الحاشية على «من لا يحضره الفقيه»، تحقیق: فارس حسون، قم، کتابخانه آية الله مرعشي نجفی، ۱۴۲۴ق.

_____، رسائل الشيخ بهاء الدين ... الحبل المتين في أحكام الدين، تحقیق: مرتضى احمدیان، قم، کتابفروشی بصیرتی، ۱۳۹۰ق.

_____، مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین مع تعليقات الخواجونی، تحقیق: سید مهدی رجائی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۴ق.

صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، جهانبان، ۱۳۷۸ق.

_____، من لا يحضره الفقيه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.

طوسی، محمد بن حسن، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، مصحح: حسن الموسوی خرسان، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.

_____، الأمالي، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.

_____، الغيبة، مصحح: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.

_____، رجال الطوسي، تصحيح: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۳ش.

_____، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، تحقیق: عبدالعزيز طباطبائی، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.

عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدين و ملاذ المجتهدين (قسم الفقه)، تحقیق: سید منذر حکیم، قم، مؤسسه الفقه للطباعة و النشر، ۱۴۱۸ق.

عاملی، محمد بن حسن بن شهید ثانی، إستقصاء الاعتبار في شرح الإستبصار، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.

علوی عاملی، میر سید احمد، مناهج الأخبار في شرح الاستبصار، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.

فیض کاشانی، محمد محسن، معتصم الشيعة في أحكام الشريعة، تحقیق: مسیح توحیدی، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۴۲۹ق.

کشی، محمد بن عمر، إختيار معرفة الرجال، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الكافي، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

_____، الكافي، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.

مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، شرح فروع الكافي، تحقیق: محمد جواد محمودی- محمد حسین درایتی، قم، دارالحديث، ۱۴۳۱ق.

مامقانی، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال، بی تا، بی جا، بی تا.

مجاهد طباطبائی، محمد بن علی، المناهل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، بی تا.

مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، مصحح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازی، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

محقق اردبیلی، احمد بن محمد، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

محقق حلی، جعفر بن حسن، المعبر في شرح المختصر، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع)، ۱۴۰۷ق.

محقق سبزواری، محمد باقر، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۷ق.

محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.

موسوی عاملی، محمدبن علی، مدارک الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بيروت، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق.

موسوی خمینی، سیدروح اللہ، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ش.

موسوی خمینی، سیدمصطفی، کتاب الصوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.

میرداماد، محمدباقر، اثني عشر رسالة- التعليقة على الاستبصار، تهران، سيدجمال الدين ميرداماد، ۱۳۹۷ق.

_____، التعليقة على اختيار معرفة الرجال، تحقيق: مهدي رجايي، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ق.

نجاشي، احمدبن علي، رجال النجاشي، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۳۶۵ش.